روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۷ خرداد ۱۳۹۷ • ۱۲ رمضان ۱۴۳۹ • ۲۸ می ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۵۹ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۳ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

نامه سرگشاده اهالی فرهنگ به مسئولان

ما از الان مُردیم!

پوریا عالمی

• مسئولان محترم

به‌هرحال در کار خدا همیشه حکمتی است، حتی اگر ما نفهمیم؛ مثلا ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌شود. احمدی‌نژاد شهردار پایتخت ایران و بعد هشت سال رئیس‌جمهور ایران می‌شود، برخی هم مسئول فرهنگ کشور یا مسئول تلویزیون و رادیوی مملکت. خیلی هم آموزنده است، اما با توجه به اینکه در سال‌های گذشته برخی از شما یک‌طوری با هنرمندان مستقل رفتار کرده‌اید که انگار با آنها پدرکشتگی دارید، ما هنرمندان مستقل تصمیم گرفتیم راستش را بگوییم: ما پدر شما را نه‌تنها نکشتیم، بلکه اصلا تا حالا با ایشان ملاقات هم نکرده‌ایم. واقعا ما با شما پدرکشتگی نداریم. نه‌تنها ایراد ما این است که ما هنرمند مستقل هستیم و کارمان هم خوب است و شما اگر کسی دستش توی جیب خودش بود و کارش هم خوب بود خیال می‌کنید طرف با شما پدرکشتگی دارد. از طرفی عزیزان، مسئولان قشنگ، ما با بررسی دقیق رفتار شما متوجه شدیم اعتقاد دارید خاک سرد است و تا یکی از هنرمندان مستقل می‌میرد، سریع دل‌نازک می‌شوید و هرچیزی را که از او در دل دارید فراموش می‌کنید و نه‌تنها توی تلویزیون و رادیو نشانش می‌دهید، بلکه می‌روید زیر تابوتش را هم می‌گیرید. همچنین دیده شده بعد از مرگ هر هنرمند مستقلی اگر خواننده باشد، صدایش را از رادیو و تلویزیون پخش می‌کنید. اگر بازیگر و کارگردان باشد، آثارش را هی نشان می‌دهید. اگر نویسنده و شاعر باشد، عکسش را بیلبورد می‌کنید. اگر روشنفکر باشد، برایش در تلویزیون میزگرد می‌گذارید. آخریش همین ناصر ملک‌مطیعی که چندماه پیش پیرمرد را توی تلویزیون بردید، اما تصویرش را نشان ندادید و امروز تلویزیون طوری ازش حرف می‌زند که انگار پاره تنش را از دست داده است. واقعا دمتان هم گرم. شما خیلی خفن و بزرگوار هستید. قصد ما از نوشتن این نامه اصلا تحقیر یا نقد رفتار شما بزرگواران نیست. ما هنرمندان مستقل به این نتیجه رسیدیم اعلام کنید ما مردیم و اگر می‌شود در تلویزیون و رادیو و فضاهای شهری کشور به ما جا بدهید. ما را ببینید و پخش کنید.

مسئولان محترم

ما هنرمندان مستقل اعلام می‌کنیم شما منتظر خبر مرگ ما نباشید. این خبر مرگ ماست. ما اعلام می‌کنیم ما مرده‌ایم، لطفا ما را در تلویزیون و رادیو و فضاهای شهری نشان دهید.

با تشکر. هنرمندان، روشنفکران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران مستقل.

جمع‌بندی

سوفیا... عشق من... بابای تو هم شاید منتظر خبر مرگ من است که با من خوب بشود و بگوید کاش سوفیا را داده بودم میدون دوم... خلاصه که به بابات بگو من حالاحالاها قصد مردن ندارم. قربان تو؛ عاشق نمیر تو؛ میدون دوم.

پیشخوان

سینما و ادبیات

• شماره ۶۷ مجله سینما و ادبیات به سینمای رومانی و کریستین مونجیو، کارگردان موج نو این کشور اختصاص دارد. سینمای مونجیو را به‌نوعی وامدار بزرگان سینمای ایران از جمله اصغر فرهادی دانسته‌اند. بخش فیلم‌ها و احساس‌ها در این شماره موضوع جذاب تحلیل بازیگری سینما را به بحث گذاشته است. «چگونه باید درباره بازیگری نوشت؟ چگونه زبان تحلیل بازیگری می‌تواند بازتابی از نقش‌آفرینی بازیگر باشد؟...». در این پرونده نقد پالین کیل بر بازی دو بازیگر سینمای کلاسیک، گریگوری پک و لارنس الیویه، ارائه شده است. در بخش سینمای ایران می‌توانید خواننده موضوع «همیشه بحث‌برانگیز فیلم‌نامه» باشید. بهروز افخمی، بهرام توکلی، فرید مصطفوی و جواد طوسی در میزگرد همین بخش بر ضعف‌های حوزه فیلم‌نامه متمرکز می‌شوند. بهرام توکلی در جایی در همین میزگرد اشاره می‌کند: «با دیدن این مجموعه فیلم‌های ضعیف مدام احساس بحران در فیلم‌نامه می‌کنیم درحالی‌که این بحران در یک کلیت است نه الزاما در فیلم‌نامه...». آثار کلاسیک عنوان کلی پرونده ادبی این شماره است.

تمام مباحث مربوط به کلاسیک‌های باستانی تا آثار کلاسیک مدرن را در میزگرد کاوه میرعباسی، آبتین گلکار، ابراهیم دمشناس و محمدرضا گودرزی دنبال کنید، در نشست رضا رضایی و کیهان خانجانی درباره رمان ۱۸۰۰ تا ۱۹۳۰ اروپا و آمریکا بخوانید و مطالب احمد اخوت، علی‌اصغر حداد، محمود حدادی، محمود حسینی‌زاد، خجسته کیهان، شاپور بهیان و... را پی بگیرید.

گفت‌وگوی فرشته احمدی و مجید برزگر را در این شماره از دست ندهید.

کارتون خواب

سهیل محمدی

ایسنا : تمامی مسابقات زنان ورزشکار ایرانی در بازی های آسیایی جاکارتا از سیما پخش میشود.

دور دنیا

زنان سعودی به عقب برمی‌گردند

ترجمه: ساسان گلفر

روزنامه گاردین در سرمقاله‌ای به وضعیت زنان در عربستان‌سعودی امروز پرداخته و در عنوان مقاله از «حرکت به عقب» سخن به میان آورده است. در این سرمقاله آمده: «شاهزاده محمد بن‌سلمان به زنان حق رانندگی خواهد داد، اما اگر آنها مطالبه دیگری داشته باشند، می‌گوید که می‌توانند مستقیما به زندان بروند».

به نوشته گاردین، عربستان سعی می‌کند تا ممنوعیت رانندگی زنان را لغو کند، اما از طرف دیگر، مدافعان حقوق زنان را به زندان می‌اندازد. این مانند یک صحنه از رمان «آن‌سوی آینه» (ادامه رمان «آلیس در سرزمین عجایب» نوشته لوئیس کارول) است که در آن ملکه سرخ اعلام می‌کند آنچه واضح به نظر می‌رسد برعکس آن چیزی است که واقعا واضح است. این‌بار نقش مقام سلطنتی مخالف منطق را شاهزاده محمد بن‌سلمان برعهده دارد که از یک‌سو قصد دارد به شهرت خجالت‌آور عربستان‌سعودی به‌عنوان تنها کشوری که رانندگی زنان در آن ممنوع است، پایان دهد، اما ظاهرا حق رانندگی را فقط به زنانی خواهد داد که ساکت هستند.

در کشوری که بسیاری از زنان نارضایتی‌های بسیار گسترده‌تری از رانندگی دارند، شاهزاده نمی‌خواهد به فعالان زن که سال‌ها برای پایان‌دادن به تبعیض غلط مبارزه کرده‌اند، اجازه دهد تا به سرمشقی برای شورش تبدیل شوند. وارث تخت سلطنت سعودی، از آنان می‌خواهد به‌جای استدلال، سکوت کنند. این فعالان پس از پیروزی در یک نبرد به وضوح دریافتند که به آنها امکان بهره‌بردن از پیروزی خود را نمی‌دهند. آنها بهای شجاعت خود را با آزادی خود دادند و عاقبت کارشان به پشت میله‌های زندان کشید، درحالی‌که رسانه‌های سعودی به آنها برچسب «خائن» می‌زنند. به این معترضان باید برای جسارتشان تبریک گفت.

عربستان‌سعودی با نیمی از جمعیت خود به‌عنوان شهروندان درجه دوم برخورد می‌کند که برای سفر، کار یا حتی دریافت خدمات بیمارستان نیاز به رضایت یک سرپرست مرد دارند. این رسم بسیار ناعادلانه‌ای است که زنان از زمان تولد تا مرگ از یک مرد به دیگری تحویل داده می‌شوند؛ اول پدرشان، سپس شوهرشان و پس از آن اغلب به پسرانشان. فعالان حق داشتند به دادگاه سلطنتی شکایت کنند که سیستم سرپرستی مردانه را لغو کنند و شجاعت آنها گواهی است بر اینکه چه اتفاقی می‌افتد وقتی عقل سلیم با دنیایی مواجه می‌شود که از عقل سلیم برخوردار نیست. این فعالان به‌جای سپری‌کردن زمان در زندان، باید به‌خاطر مخالفت اصولی خود مورد قدردانی قرار گیرند. آزادی بیان فقط برای این نیست که کمک کند بفهمیم چه چیزی مهم است، بلکه برای این نیز هست که بفهمیم چه شخصی مهم است.

عربستان‌سعودی می‌گوید که در مورد برنامه اصلاحاتش جدی است، اما به نظر می‌رسد این اصلاحات بهانه‌ای است برای سرپوش‌گذاشتن بر سرکوب. شاهزاده تاجدار در پی جلب حمایت دونالد ترامپ است که خود هنجارهای دموکراسی آمریکایی را زیر پا می‌گذارد و برای تحکیم قدرت خود به گروه‌های حاشیه‌نشین و زنان برچسب‌های ناروا می‌زند و این، نشانه‌ای بد است. کشورهای عربی باید با دنیای مدرن کنار بیایند: اکثر آنها قوانینی ندارند که جلوی تبعیض جنسیتی را بگیرد. این منطقه باید بپذیرد که دختران می‌توانند به اندازه پسران در جامعه مشارکت داشته باشند. مردان و زنان باید بتوانند تمام قابلیت‌های بالقوه خود را بالفعل کنند و تمام توان خود را در اقتصاد به منصه ظهور برسانند. این به آن معناست که به زنان باید به همان اندازه قدرت انتخاب داده شود که به مردان. این مسئله در هیچ‌جا به اندازه عربستان‌سعودی ضروری و مبرم نیست، اما در کشورهای دیگر نیز در آن کوتاهی می‌شود. یک شخصیت دموکرات در خاورمیانه پس از بهار عربی، خود را مانند فرد معقولی در دنیایی دیوانه‌وار می‌یابد. مثل بودن در «آن‌سوی آینه» آلیس است؛ جایی که همه‌چیز معکوس است.

در مصر، عبدالفتاح السیسی در اوایل سال جاری با ۹۷ درصد آرا مجددا برای مقام رئیس‌جمهوری انتخاب شد. بااین‌حال به نظر می‌رسد در این کشور که نام «دموکراسی» را بر خود گذاشته است، حقوق مدنی به رسمیت شناخته نمی‌شود: در ماه مارس (فروردین) مقامات مصری یک زن را بازداشت کردند. جرم او چه بود؟ صحبت‌کردن با بی‌بی‌سی در مورد ناپدیدشدن دخترش. یا تونس را در نظر بگیرید که از آن به‌عنوان تابلویی برای گذار از دیکتاتوری به دموکراسی یاد می‌شود. هنگامی که اسلام‌گرایان معتدل در انتخابات محلی برنده شدند و به‌عنوان نخستین زن شهردار پایتخت کشور، یک زن بدون پوشش را انتخاب کردند، این حزب سکولار بود که مانع رسیدن او به قدرت بود و اقتدار سیاسی او را به‌وضوح انکار کرد. کاهش نابرابری به معنای پیشرفت در حقوق زنان است. با همه صحبت‌هایی که از پیشرفت در جهان عرب می‌شود - همان‌طور که درباره عربستان‌سعودی هم گفته می‌شود - موقعیت زنان یا درجازدن است یا بدتر از آن، عقب‌رفتن.

آکادمی

«سکته مغزی» در «گام دوم»

بابک زمانی

رئیس انجمن سکته مغزی

همه به یاد دارند که دو سال پیش، همپای طرح ارتقای سلامت، حرکت درمان سکته مغزی به عنوان یک اولویت ملی به راه افتاد. کشور ما که در بسیاری از اعمال تخصصی پزشکی از سرآمدان دوران شده بود در درمان سکته مغزی که تنها در سه ساعت اول امکان‌پذیر است، از کشورهای بسیارعقب‌مانده‌تر هم جا مانده بود. بسیاری از جوانان نورولوژیست به‌ویژه در شهرهای دوردستی که برای طرح اعزام شده بودند، بدون کوچک‌ترین چشمداشت مادی تنها برای ایفای وظیفه‌ای که برای آن آموزش دیده بودند و پرکردن حفره‌ای که در مهم‌ترین نقش اجتماعی ایشان به عنوان طبیبان مغز پدید آمده بود، با پشت‌پازدن به منافع مادی خود و با پذیرش تمامی مشکلات و خطرات موجود در استقرار یک درمان جدید موفق شدند کاروان درجازده درمان سکته مغزی را تقریبا در تمام کشور راه بیندازند. وزارت بهداشت با درک عمیق وظایف خود به مثابه متصدی دولتی بهداشت و درمان، در درمان یک اورژانس واقعی پزشکی با تمام نتایج آشکار آن، اقدام به پیگیری و سازماندهی این حرکت اجتماعی کرد. در دو سال گذشته با تلاش هماهنگ وزارت بهداشت، جامعه متخصصان مغز و اعصاب، مدیران و کارکنان اورژانس‌های سراسر کشور، نزدیک به سه هزار نفر با آخرین درمان‌های استاندارد تحت درمان قرار گرفتند. اگرچه حرکت ملی درمان سکته مغزی در ایران تا همین نقطه هم چشمگیر و خیره‌کننده بوده است، اگرچه نتیجه این برنامه‌ریزی در این مدت کوتاه باعث حیرت و تحسین مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی سکته مغزی شده و تجربه ایران را به عنوان یک موفقیت واقعا موجود مدلی برای سایر مناطق عقب‌مانده‌تر برمی‌شمارند؛ اما نگرانی در مورد ادامه این روند و کاستن از فاصله عمیق درمان سکته مغزی در داخل کشور با سطح بین‌المللی آن که دائما در حال تغییر و پیشرفت است، برای جامعه جوان متخصصان مغز و اعصاب، دلسوزان و علاقه‌مندان به مسائل سلامت کشور دغدغه کوچکی نیست. اگر آنچه را رخ داده است تنها حرکتی کوچک و تنها گام آغازین درمان سکته مغزی بنامیم، باید گفت ضرورت حرکت بزرگ‌تری که باعث گسترش و تداوم این گام خواهد شد؛ یعنی گام دوم درمان سکته مغزی در کشور همچنان در پیش‌رو خودنمایی می‌کند. به‌خصوص که درمان سکته مغزی مانند بسیاری پدیده‌های اجتماعی دیگر، از قانون «دوچرخه» پیروی می‌کند. قانون پدیده‌هایی که سکون آنها به معنای سقوط آنهاست، صرف بقا برای آنها امکان‌پذیر نیست و برای بقا هم نیازمند تکامل و حرکت به پیش هستند.

سکته مغزی درمان نخواهد شد مگر آنکه محل درمان سکته مغزی در بیمارستان‌ها به عنوان یکی از مکان‌های اساسی درمانی در هر بیمارستانی جا بیفتد و در اعتباربخشی بیمارستان‌ها لحاظ شود. گام دوم درمان سکته مغزی نیازمند تعرفه‌هایی واقع‌بینانه برای پزشکانی است که آن را انجام می‌دهند. معلوم نیست شور و غیرت جوانی تا کجا برای این درمان اساسی کفایت کند. ادامه درمان سکته مغزی نیازمند تجهیزات و امکاناتی مدرن است که تهیه آن نه‌تنها از توان متخصصان مغز و اعصاب خارج است، بلکه حتی ممکن است به تمامی در توان وزارت بهداشت هم نباشد و به نوعی همیاری اجتماعی نیاز پیدا کند. امکاناتی نظیر واحد سکته مغزی متحرک یا آمبولانس مجهز به «سی‌تی اسکن» و تأسیس مراکزی با کیفیت مناسب برای توانبخشی بیماران سکته مغزی بعد از طی مرحله حاد و تجهیز تعداد کافی از بیمارستان‌های شهرهای بزرگ برای درمان‌های مداخله‌ای سکته مغزی. یعنی درآوردن لخته از مغز بیمارانی که با درمان‌های ابتدایی وریدی درمان نشده‌اند.

موج دوم درمان سکته مغزی یک وظیفه مهم ملی پیش‌روی همه ماست. نه‌تنها برای حفظ دستاوردهای موجود بر اساس همان قانون «دوچرخه»، بلکه به این جهت که درمان سکته مغزی، این دومین علت مرگ و اولین علت ناتوانی در کشور ما، جزء اساسی‌ترین وظایف ذاتی هر دولتی است و جزء معدود کارهایی است که دولت‌ها وظیفه دارند آن را مدیریت کنند و حتی متصدی مستقیم آن باشند و البته به این دلیل که دنیا ثابت کرده درمان سکته مغزی حاد یکی از اقتصادی‌ترین درمان‌های موجود است؛ چراکه با هزینه‌ای اندک و برنامه‌ریزی مناسب دولتی می‌توان از هزینه‌هایی هنگفت آن در آینده پیشگیری کرد. اما مهم‌تر از همه اینها به این دلیل ساده که اگر چهار نفر از ما دچار سکته مغزی شویم و در ۲۰ دقیقه اول درمان شویم، سه نفر نجات پیدا می‌کنند ولی اگر در ۴۰ دقیقه درمان شویم، از چهار نفر دو نفر و در ۶۰ دقیقه تنها یک نفر نجات پیدا می‌کند. راستی میل دارید سکته مغزی احتمالی شما بعد از موفقیت گام دوم درمان سکته مغزی باشد یا قبل از آن؟ و چند دقیقه بعد از شروع درمان شود؟

زیر آسمان شهر

زنان، ورزشگاه و رئیس‌جمهور

عارفه الیاسی

یک سال از دور دوم ریاست‌جمهوری روحانی می‌گذرد و بسیاری از مطالبات جامعه مدنی همچنان روی میز است، از جمله حضور زنان در ورزشگاه‌ها. افطاری ریاست‌جمهوری و ورزشکاران بهانه‌ای برای صحبت دراین‌باره بود. عدم پخش بازی‌های فوتسالیست‌های قهرمان آسیا هم موضوع دیگری بود که در حضور ریاست‌جمهوری مطرح شد و بحث درباره نگاهی که علاقه‌ای به حضور زنان در فضاهای عمومی ورزشی و تلویزیون ملی ندارد.

وقتی به گذشته برمی‌گردیم می‌بینیم سال‌هاست یکی از خواسته‌های زنان ایرانی ورود به ورزشگاه‌های فوتبال است؛ هرچند در چند سال اخیر والیبال و بسکتبال هم به آن اضافه شده است. سال گذشته در همین ایام زنان بسیاری در گردهمایی‌های مختلف نامزدهای ریاست‌جمهوری در ورزشگاه‌ها حضور داشتند و امیدوار بودند که دولت در دور دوم پس از ثبات بیشتر، بیشتر به خواست جامعه مدنی توجه کند.

رئیس‌جمهور در سخنرانی خود با لحنی پرسشی گفت: «بعضی می‌گویند چون در ورزشگاه‌ها مردها حرف‌های زشت می‌زنند زنان نباید به ورزشگاه بیایند. چرا زنان ما باید به‌خاطر مردان از حضور در ورزشگاه‌ها محروم شوند؟!». معلوم نیست چرا رئیس‌جمهور هم سؤال زنان را تکرار می‌کند. آیا امکان حل این مسئله را ندارد و خطاب به دیگران سخن می‌گوید؟!

اینجاست که سؤال پیش می‌آید چرا مسئله و خواستی به این سادگی همراه با منفعت زیاد برای فرهنگ و وجهه کشور حتی از دایره قدرت رئیس‌جمهور هم خارج است که ایشان هم هم‌صدا با زنان ورزش‌دوست این سؤال را تکرار می‌کند. ضمن اینکه ارتباط‌دادن ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها به بی‌ادبی مردان تماشاچی، آدرس اشتباه‌دادن است که اگر واقعیت داشت، زن‌ها باید از راه‌رفتن در کوچه‌ها و خیابان‌ها هم منع می‌شدند. دلایل مذهبی و سیاسی که تاکنون مطرح شده و کمیسیون زنان را برای صحبت دراین‌باره تا قم برد، بیشتر به واقعیت ممنوعیت نزدیک است.

به این تجربه‌های ناکام که نگاه می‌کنیم این واقعیت ممنوعیت بیشتر خود را نشان می‌دهد؛ مثلا در مسابقات لیگ جهانی والیبال تنها عده‌ای از نزدیکان فدراسیون والیبال به ورزشگاه ورود پیدا کردند و خبری از بلیت‌فروشی برای عموم نبود. سپس آخرین بازی ایران در راه جام جهانی با سوریه که در یک حرکت عجیب، جلوی چشم زنان ایرانی، زنان سوری وارد ورزشگاه آزادی شدند و موجب آزردگی شدید زنان فوتبال‌دوست شد. بعضی نمایندگان مجلس، معاون وزیر ورزش و حتی وزیر ورزش به تناوب صحبت از بهبود زیرساخت‌ها و اجازه ورود زنان به ورزشگاه‌ها کردند. نمایندگان زن مجلس حتی به دیدار مراجع تقلید رفتند و در این مورد نظرشان را پرسیدند، ولی در این بین هیچ اقدام مثبتی که حاکی از تمایل مسئولان در جهت برداشتن این ممنوعیت باشد دیده نشد. در این بین تعدادی از بازی‌های تیم فوتسال زنان با استقبال شدید زنان مواجه شد که درعین‌حال با سخت‌گیری‌های عجیب، بیشتر از اینکه روز شادی برای زنان رقم بخورد، رفتارهای تحقیرآمیزی را شاهد بودند. مسابقات لیگ جهانی والیبال ساحلی هم به سیاق فدراسیون والیبال با حضور نزدیکان و افرادی که کارت مخصوص داشتند برگزار شد و تنها کمتر از یک ماه مانده به پایان سال، یک مسابقه بسکتبال بین تیم ملی ایران با حضور ستارگان تیم و تیم عراق در ورزشگاه آزادی برگزار شد که ستارگان تیم در صفحات اجتماعی خود اعلام کردند بعد از چهار سال زنان یا خانواده‌ها به‌طور دقیق‌تر، می‌توانند بازی را در ورزشگاه از نزدیک ببینند و حضور زنان به‌قدری چشمگیر بود که ساعتی پیش از شروع مسابقه جایگاه زنان کاملا پر شده بود و تنها با کمک یکی از نمایندگان مجلس، مسئولان حراست ورزشگاه اجازه حضور زنان پشت‌درمانده را دادند.

دستگیری ۳۲ زن در هنگام حضور رئیس فیفا، جانی اینفنتینو، در شهرآورد تهران هم بود؛ زنانی که حتی بعضی از آنها تنها در اطراف ورزشگاه حضور داشتند و دلیلی برای دستگیری آنها وجود نداشت.

حتما در این مدت مشاوران رئیس‌جمهور و خودش در جریان اتفاقات بوده‌اند. اکنون در آستانه جام جهانی تیم ملی ایران تنها تیمی است که زنان فوتبال‌دوست در آن کشور اجازه ورود به ورزشگاه را ندارند و رئیس‌جمهور هم حتی امیدی به فوتبال‌دوستان نمی‌دهد که زمینه‌های حضور زنان را فراهم می‌کند.

سلام به فردا

۵ شهر اروپا که مردمش خودروی شخصی را دوست ندارند!

محمد درویش

در ایران پیوسته دم از ساده‌زیستی می‌زنیم؛ اما تاکنون کسی رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، وزیر نیرو، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر آموزش‌وپرورش، وزیر علوم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان صداوسیما و دیگر نهادهای محیط‌زیستی یا رسانه‌ای و فرهنگی را سوار دوچرخه ندیده! دیده؟ این در حالی است که بسیاری از رؤسا و مدیران ارشد در جهان از روسیه تا کلمبیا و از اروپا تا کره‌جنوبی پیوسته مردم را تشویق به استفاده از دوچرخه در ترددهای روزانه خود می‌کنند و البته این تشویق و توصیه از جنس حرف و شعار نیست، بلکه عملا مردم، مسئولان و مدیران ارشد خود را در حال رکاب‌زدن در معابر عمومی می‌بینند.

در این میان، پنج کشور اروپایی پاک‌ترین برنامه‌های حمل‌ونقل را ارائه کرده‌اند که سبب شده شهروندان‌شان داوطلبانه خودروهای شخصی را کنار بگذارند:

۱ در کپنهاگ، شهری که از سال ۲۰۱۷ برای نخستین‌بار تعداد دوچرخه‌سوارانش از خودروسوارها بیشتر شد، پل‌های عظیم و بسیار زیبایی انحصارا برای تردد دوچرخه ساخته شده تا مردم بیشتری دوچرخه‌سواری کنند. همچنین شهردار کپنهاگ به خودروها اجازه نمی‌دهد تا به مرکز شهر وارد شوند.

۲ در آمستردام تنها از هر چهار نفر یک نفر صاحب خودرو است. دوچرخه‌سواری آن اندازه محبوبیت دارد که شمار دوچرخه‌ها بیشتر از انسان‌هاست. زیباترین مسیرهای ایمن دوچرخه‌سواری و بیشترین وزیر دوچرخه‌سوار در هلند مشاهده می‌شود.

۳ در اسلو پایتخت نروژ، مناطقی از شهر بدون خودرو اعلام شده و جای پارک خودروها را به مسیرهای ایمن دوچرخه‌سواری و محل بازی کودکان تبدیل کرده‌اند. این شهر از ایمن‌ترین شهرها برای دوچرخه‌سواران و عابران پیاده محسوب می‌شود و درصدد است تا سال ۲۰۱۹ ورود خودروهای شخصی به حریم شهر کاملا ممنوع شود.

۴ در زوریخ مردم دو برابر بیشتر از لندن با وسایل نقلیه عمومی تردد می‌کنند. این شهر یکی از سختگیرانه‌ترین قوانین در برابر آلودگی هوا در اروپا را دارد و پیوسته و شتابناک بر تعداد دوچرخه‌سوارانش افزوده می‌شود.

۵ در وین کارت سالانه استفاده از وسایل نقلیه عمومی تنها یک یورو در روز قیمت دارد. یک اَپ ویژه تردد به مردم کمک می‌کند تا خودروهای شخصی را کنار بگذارند و دسترسی سریع به نزدیک‌ترین اتوبوس، قطار، دوچرخه کرایه یا خودروهای اشتراکی داشته باشند.

خواننده عزیز روزنامه وزین شرق!

در آستانه روز جهانی دوچرخه -۱۳ خرداد - قرار داریم. لطفا با آوردن دوچرخه‌های خود به خیابان در هر شهری که زندگی می‌کنید، به رهبران و مدیران ارشد شهری یادآوری کنید که برای برخورداری از ترددی روان‌تر با آلودگی کمتر و تحرکی درخورتر، حق ما استفاده ایمن از دوچرخه در معابر عمومی است.

پیشنهاد

هراس از مارکس و هگل

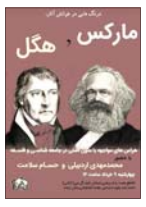

همایشی با عنوان «هراس‌های مواجهه با متون اصلی در جامعه‌شناسی و فلسفه» چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۹۷ در سالن ارشاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه‌طباطبایی برگزار می‌شود. در این همایش، قرار است محمدمهدی اردبیلی و حسام سلامت به «درنگ‌هایی در خوانش آثار مارکس و هگل» بپردازند. این همایش ۹ خرداد از ساعت ۱۲ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به نشانی تهران، تقاطع همت و شریعتی، خیابان داود گل‌نبی (کتابی) برگزار خواهد شد. ورود برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.